

انسداد فرهنگی یا بلا تکلیفی فرهنگی؟!

- سازگار نژاد: وزیری را که نخواهد مسیر اصلاحات فرهنگی را ادامه دهد، نمی پذیریم.
- محمدرضا خاتمی: وزیر بعدی هم باید راه آقای مهاجرانی را ادامه دهد.
- حمید رضا ترقی: نه کتاب در خدمت اسلام بود، نه سینما و نه هنرهای نمایشی دیگر...

نه تمامی سیاست‌های مهاجرانی، اما بخش مهمی از آن‌ها، با سیاست‌ها، عقاید و وعده‌هایی که آقای سید محمد خاتمی اجرای آن‌ها را به جامعه وعده داده بود، گره خورده است. بنابراین، اکنون این پرسش اساسی هم مطرح می‌شود که آقای خاتمی به وزیر بعدی ارشاد اجازه خواهد داد که چنان محافظه کارانه عمل کند که محافظه کاران را خوش‌آید؟

در آخرین فرصتی که برای بستن این شماره داشتیم اطلاع یافتیم آقای مسجدجامعی به عنوان وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی به مجلس

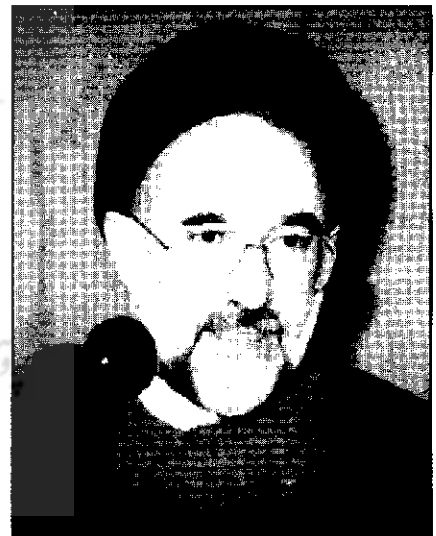


دکتر مهاجرانی رحمت به گذشته را غیر ممکن می‌داند.

وزارت برخاست و افکار عمومی را با پرسش‌های بی‌پاسخ متعددی، به حال خود رها کرد. رفتن مهاجرانی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای مخالفین او یک پیروزی بزرگ و غرورانگیز است. در این موضوع شک نباید کرد. شک شکاکان، باید حول تغییرات اساسی در سیاست فرهنگی کشور متمرکز شود.

منتقدین مهاجرانی او را متهم می‌کردند که در دوران وزارتش اجازه داد عرصه فرهنگی و اعتقادی کشور مورد هجوم همه جانبه قرار گیرد. بنابراین اکنون باید این فرض را جدی گرفت که دست اندرکاران عرصه‌های مختلف فرهنگی - سینما - تئاتر - موسیقی - روزنامه نگاری - کتاب - نقاشی و ... با چالشی جدی و محدودیت‌های نفس گیر مواجه خواهند شد. آنان یا باید تنگناها و محدودیت‌هایی را که نوعی بازگشت به عقب است، بپذیرا شوند و بمانند و یا فاتحه فرهنگ و هنر و قلم را بخوانند و عطای فعالیت‌های فرهنگی را به لقای آن ببخشند و به حاشیه نقل مکان کنند.

چنین اتفاقی خواهد افتاد؟ محافظه کاران می‌توانند مطمئن باشند وزیری که جای مهاجرانی را می‌گیرد، چنان دست به عصاره پرود که اوضاع بر وفق مراد آنان باشد؟ در این صورت، آیا جامعه، سیاست‌های بسته و کنترل شده‌تر در عرصه مطبوعات، کتاب، سینما و سایر رشته‌ها را بپذیرا خواهد شد؟ و پرسش مهم‌تر این که، اگر



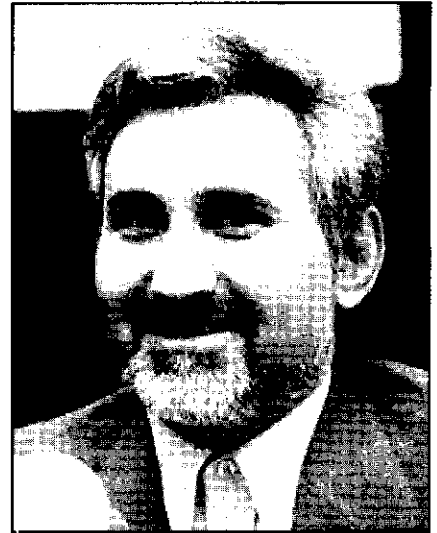
سید محمد خاتمی اجازه می‌دهد سیاست‌های فرهنگی اعلام شده‌اش را تعدیل کنند؟

سرانجام، سید عطاءالله مهاجرانی (که آشتی‌ناپذیرترین مخالفانش هم او را سرسخت‌ترین و مقاوم‌ترین وزیر کابینه آقای خاتمی می‌دانند) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رفت. او که یک استیضاح فشرده و جنجالی را پشت سر گذاشته بود و در مواجهه با موج‌سازی‌هایی نظیر ماجرای ملاقات معروف ویلای لواسانات با قاطعیت می‌ایستاد و حملات مخالفین خود را با لبخند و جملات طنزآمیز پاسخ می‌داد، این بار تقریباً بی‌سر و صدا، و بی آن که درباره علل واقعی استعفایش توضیحی اقتناع‌کننده بدهد، از پشت میز

معرفی شده است. مسجدجامعی مرد شماره دوی این وزارتخانه در زمان تصدی آقای مهاجرانی بر آن بود و یکی از مجریان اصلی سیاست های وی شناخته می شد. براین اساس، می توان نتیجه گرفت آقای خاتمی با معرفی وی، بر ادامه سیاست های فرهنگی دولت خویش تأکید کرده است. اما مسجدجامعی در صورت تأیید از سوی مجلس می تواند فضای حاکم بر وزارت ارشاد در دوران مهاجرانی را احیاء و حفظ کند؟ در این صورت، او که سرسختی و مقاومت مهاجرانی را ندارد، چگونه می تواند در برابر حملات و جبهه گیری های محافظه کاران تاب بیاورد؟

پرسش های متعدد و مهم دیگری هم قابل طرح است، اما همین مختصر کفایت می کند تا پیچیدگی وضعی که بر عرصه فرهنگی کشور حاکم است، قابل درک شود.

این پیچیدگی و ابهام، نوعی سردرگمی را برای اکثریت فعالان در عرصه های فرهنگی ایجاد



مهدی رهنما، وزیر جدید ارشاد امکان این را ندارد که به راه دیگری برود

کرده است که گرچه هنوز قابل لمس نیست، اما اثرات آن در آینده ای نه چندان دور، ظاهر خواهد شد و ما این آثار را بر صفحات مطبوعات، پرده سینما و محتوای کتاب هایی که منتشر می شوند و یا روی میز میزبان کتاب بلا تکلیف می مانند، مشاهده خواهیم کرد.

گروهی معتقدند سیاست های فرهنگی قابل برگشت به گذشته نیست. به رغم اینان، مخالفت محافظه کاران نه با سیاست های فرهنگی وزارت ارشاد، بلکه با شخص مهاجرانی، به دلیل عملکرد

سیاسی و باورهای شخصی وی بوده است. حتی اگر این داور را صحیح بپنداریم، باز هم استعفای مهاجرانی بر فضای فعالیت های فرهنگی - هنری اثر منفی خواهد گذاشت. حداقل این تأثیر آن خواهد بود که گروهی از نویسندگان، روزنامه نگاران، سینماگران و فعالان در سایر رشته های فرهنگی، نسبت به گذشته دست به عصاتر حرکت خواهند کرد.

معمولاً، پس از موفقیت هر حرکت محدود کننده، اثرات روانی آن، گروهی از افراد را مردد و محافظه کار می کند. نمونه ای بارز و مشخص برای نشان دادن این واقعیت، اثری است که تعطیل دسته جمعی نشریات در اردیبهشت امسال بر قلم بسیاری از روزنامه نگاران گذاشت. خیلی از قلم هایی که سال گذشته در همین ایام تیز و برا بودند، حالا کند شده اند!

دکتر مهاجرانی خود معتقد است که رجعت به گذشته امکان پذیر نیست، اما سخنانی که از زبان سخنگوی جمعیت مؤتلفه اسلامی می شنویم، نشان از اراده حداقل بخشی از محافظه کاران برای تغییر اوضاع و بسازگشت به سیاست های سخت گیرانه گذشته دارد.

دکتر مهاجرانی در آستانه ترک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در پاسخ پرسشی به این مضمون که «آیا پس از شما برنامه هایی که در وزارت ارشاد اجرا کردید، ادامه خواهد یافت؟» گفته است:

این طور نیست که بتوان سیاست هایی که اجرا شده را از پایه و اصول تغییر داد. اگر ما بنا را بر این گذاشتیم که مشارکت اهل فرهنگ را بیشتر کنیم، این یک سیاست منطقی است و گمان نمی کنم معکوسش عملی باشد که وزارت ارشاد در حوزه مدیریت بگوید که ما یک سیاست متمرکز سختگیرانه را اجرا می کنیم و به هیچ عنوان به سینماگر، نویسنده، مترجم و هنرمند اعتماد نمی کنیم. این سیاست را در این مقطع داشتیم که در حوزه کتاب نظریات و اندیشه های مختلفی مطرح می شود و مورد نقد و بررسی هم قرار می گیرد. گمان نمی کنم در این مورد بتوان تجدیدنظر مطلق کرد که به هیچ گونه اندیشه ای اجازه نمی دهیم و تنها یک اندیشه و سخن می تواند مطرح شود. علت این است که در واقع سیاست های ارشاد متناسب با جریان رودخانه برخورد جامع است. اگر کسی بتواند عکس این روند حرکت کند مانند شناگری است که خلاف

جبهت رودخانه حرکت می کند. چنین حرکتی بسیار کند و دشوار و غیر قابل تداوم است. از این جهت خوش بین هستم و معتقدم سیاست هایی که انجام شده متناسب با برنامه های رییس جمهور محترم بوده و از طرفی هم با مشارکت اهل فرهنگ تحقق



مهدی جعفری می تواند بدون برخورد دامنه امتداد محافظه کاران یک فضای قابل تحمل فرهنگی را ایجاد کند؟

پیدا کرده است. از این رو، قابل تجدید نظر کلی نیست. البته ممکن است سرعت کندتر و یا تندتر شود، اما جهت را گمان نمی کنم که بتوان تغییر داد.

کتاب هفته - شماره ۱۰۶، آذر ۷۹

مگر کسی می تواند؟!

اما آقای حمیدرضا ترقی که قبول دارد مهاجرانی مقاوم ترین و سرسخت ترین دولتمرد دوم خردادی بوده، تلویحاً می گوید وقتی ما توانستیم مهاجرانی را از میدان به در کنیم، از جانشین او چه کاری برمی آید؟!

آقای ترقی که در دوره گذشته، نماینده مجلس بوده و هم اینک علاوه بر سخنگویی جمعیت مؤتلفه، سردبیری نشریه «شما» - ارگان جمعیت مزبور - را نیز بر عهده دارد، به «گزارش» که انتظارات او و هم فکراتش را از مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزیر آینده آن، جویا شده است، می گوید:

باید یک نگرش جدید و جهت گیری مبتنی بر اسلام در تمام حوزه ها شامل هنر، کتاب، ادبیات و رسانه ها در وزارت ارشاد پدید بیاید.

در دوران آقای مهاجرانی به طور دقیق می شود گفت که پسوند «اسلامی» بودن از نام

وزارت فرهنگ و ارشاد «اسلامی» حذف شده بود و دین هم از مجموعه سیاست های فرهنگی به گوشه ای کنار گذاشته شده بود.

در این سه سال اگر هم تحرکی در حوزه دین بوده، از سوی نیروهای دیندار جامعه بوده است و هیچ تلاشی در جهت تقویت زیر ساخت های حوزه فرهنگ در جهت ترویج دین به عمل نیامده است.

کافی است شما لیست کتاب هایی را که در رابطه با گسترش و ترویج فرهنگ ابتدال در این سه ساله چاپ شده است مروری بکنید، این ها طبیعتاً در راستای اهداف فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران نیست.

در حوزه سینما گرایش فیلم ها به سمت دین نبوده است، در صورتی که می توانستند فیلم های خوبی مبتنی بر قصص و داستان های قرآن کریم، که حاوی پندها و آموزش هایی است، بسازند. متأسفانه هنوز هنر در خدمت دین قرار نگرفته، جز در خطاطی که اندکی در خدمت دین است. هنر نمایش به طور کامل از خدمت به دین به دور بوده است. آرمان های دینی در نظام دینی که هویت مردم و انقلاب آن اسلامی است، به فراموشی سپرده شده بود.

در پاسخ این پرسش که «با این حساب، مجلس و دولت باید وزیری با چنین مشخصه هایی را تأیید کنند ولی به نظر می رسد این اتفاق نخواهد افتاد؟ نظر شما چیست» می گوید:

سیاست های فرهنگی کشور را مقام معظم

در هر حال استعفای

مهاجرانی بر فضای

فرهنگی کشور

تاثیر منفی

می گذارد

رهبری و شواربعالی انقلاب فرهنگی تدوین می کنند. این چیزی نیست که مجلس و اشخاص بتوانند در این سیاست ها تغییر ایجاد کنند، مگر این که اجرا نکنند. مشکل ما با آقای مهاجرانی این بود که ایشان

به آن سیاست ها نه تنها عمل نمی کرد، بلکه توجه نداشت. طبیعتاً اگر وزرا بیایند و بخواهند همان رویه را دنبال کنند با همان تعارض روبرو خواهند شد و بقای عمر آن ها کمتر از مهاجرانی خواهد بود. مجموعه نظام اجازه نخواهد داد که در درون دولت کسی ساز مخالف بزند.

در کل، در دوران بعد از دوم خرداد مقاوم ترین نیرو که جسارت بی نظیری داشت، مهاجرانی بود. فکر نمی کنم دیگر کسی بتواند در مقابل سیاست های نظام تا این حد ایستادگی کند.

راه دومی وجود ندارد

نظریات محمدرضا خاتمی (دبیرکل جبهه مشارکت و نایب رئیس دوم مجلس) نشان می دهد همانقدر که محافظه کاران بر تغییر سیاست های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پافشاری می کنند، اصلاح طلبان بر ادامه روند کنونی تأکید دارند. خاتمی در گفتگو با «گزارش» موكداً می گوید:

تفکری که آقای مهاجرانی نماینده آن هستند، همچنان باقی است. رفتن ایشان از وزارت ارشاد به معنای از بین رفتن آن تفکر نیست. وزیر بعدی وزارت ارشاد امکان این را که به راه دیگری برود، ندارد.

با توجه به استراتژی دولت و اکثریت مجلس، هرکس که در مسند وزارت ارشاد قرار بگیرد، ناگزیر همین مسیر را باید ادامه دهد.

خط حاکم بر وزارت ارشاد احترام به اندیشه، احترام به انسان ها و احترام به آزادی است که هرکس در مسند وزارت ارشاد قرار بگیرد چنانچه این راه را ادامه ندهد، از سوی دولت و مجلس با مقاومت مواجه خواهد شد.

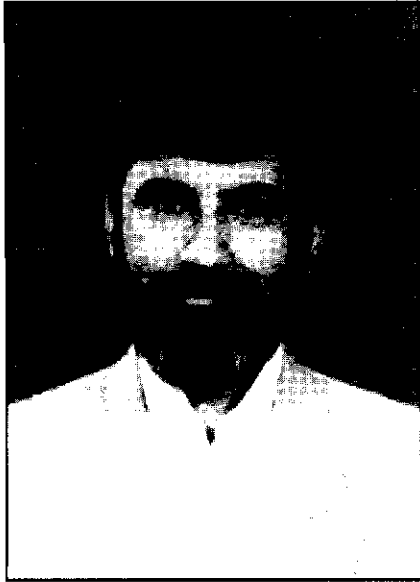
از برادر رئیس جمهور می پرسیم اگر چنین است که شما می گوئید، پس چرا آقای مهاجرانی وزارت ارشاد را ترک کرد؟

و خاتمی پاسخ می دهد:

متأسفانه کشور ما کشوری نیست که روابط بخشی های مختلف حکومت و حاکمیت و حکومت و مردم در آن به خوبی جا افتاده باشد. در کشور ما گروه ها و بخش هایی از حکومت هستند که سعی می کنند با اعمال فشار و از کار انداختن نیروها، کار را به جایی برسانند که برای اصلاح روند، آدم به روش دیگری روی بیاورد. در مورد آقای مهاجرانی نیز چنین شد. مجموعه فشارها عملاً طوری شده

بود که وجود ایشان قفل شدن همه کارها در وزارت ارشاد و حتی بروز فشار به بخشی های دیگر جریان اصلاحات را پدید آورده بود.

سازگار تژاد کارپرداز فرهنگی هیأت ریسه مجلس شورای اسلامی نیز در پاسخ به پرسش های



حمید رضا تاجی، پسند اسلامی از نام وزارت فرهنگ و ارشاد حذف شده بود.

«گزارش»، گفته است:

در دوران وزارت آقای مهاجرانی سیاست هایی که آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری و عهده اجرای آنرا داده بود توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تبیین و اجرا شد. شخصیت ممتاز آقای مهاجرانی نیز بر اجرای سریع تر این سیاست ها به شکلی شایسته و مناسب کمک کرد. این سیاست ها در چارچوب توسعه سیاسی، فرهنگی کشور بوده و سیاست های دولت است، بنابراین قطعاً برگشت ناپذیر است و ناگزیر ادامه پیدا خواهد کرد.

وی این احتمال را که آقای خاتمی با پیش آوردن مشکلاتی، وزیر مورد قبول خود را به مجلس معرفی نکند، بعید می داند و می گوید: آقای خاتمی صادق و صمیمی است و هر مشکلی داشته باشد با مردم در میان می گذارد.

اگر آقای خاتمی بناست در مسند ریاست جمهوری بماند تا روز آخر مسئولیت دارد و بر اساس و عهده ها و منطبق بر آن باید وزیر معرفی کند. قطعاً مجلس هم وزیری را که متناسب با آن شرایط نباشد، نخواهد پذیرفت.